فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی
سال پانزدهم، شماره ۵۸، پاییز ۱۳۹٤، صفحات ۸۲-٦۱

وضع مالیات بر مجموع درآمد اشخاص و شبیه‌سازی آثار آن بر درآمدهای مالیاتی دولت و توزیع درآمد

علی نصیری‌اقدم* و اشرف رزمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۶

چکیده

جهت ارزیابی اثر وضع مالیات بر مجموع درآمد، در این مقاله یک جامعه فرضی با ۱۲ پایه درآمدی مختلف با استفاده از نرم افزار فرترن[1] شبیه‌سازی شده است و در این جامعه فرضی «درآمدهای مالیاتی دولت» و «توزیع درآمد» محاسبه و تغییرات آن در ۴ سناریوی مختلف وضع مالیات بر درآمدمقایسه شده است. در حالت پایه، درآمدهای افراد بر اساس قانون فعلی مالیات‌های مستقیم[2] مشمول مالیات می‌شود و در سایر سناریوها به ترتیب تغییرات زیر رخ می‌دهد: ۱) اگر فردی از چند واحد شغلی درآمد داشته باشد، یک بار مشمول معافیت می‌شود و مجموع درآمدهای شغلی‌اش مشمول مالیات می‌شود. ۲) همه درآمدهای مشمول مالیات تجمیع می‌شود و مجموع آن بر اساس قانون مشمول مالیات می‌شود.۳) همه درآمدهای فرد، اعم از معاف و غیر معاف تجمیع شده و بر اساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م مشمول مالیات می‌شود.۴) همه درآمدهای فرد، اعم از معاف و غیر معاف تجمیع می‌شود و در صورتی که مجموع آن در سال بیش از ۱۰۰ میلیون تومان باشد، بر اساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م مشمول مالیات می‌شود. نتایج شبیه‌سازی حاکی از آن است که درآمد مالیاتی دولت در سناریوی ۳ به حداکثر خود می‌رسد و توزیع درآمد نیز بهترین وضعیت خود را داراست.

طبقه‌بندی JEL: *C60، D31، H24.*

کلیدواژه‌ها: *مالیات بر مجموع درآمد اشخاص، درآمد مالیاتی، توزیع درآمد، شبیه‌سازی.*

---

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:
Alin110@yahoo.com

* دانشجوی دکترای مهندسی هوا فضا، دانشگاه صنعتی شریف، پست الکترونیکی:
razmi@ae.sharif.ir

1. Fortran

۲- در این مقاله منظور از قانون فعلی مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن است. البته در زمان تدوین این مقاله هنوز اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده بود.

۱- مقدمه

مالیات بر درآمد اشـــخاص نه تنها نقش مهمی در درآمدهای مالیاتی دولت دارد بلکه از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای اصـلاح بازتوزیع درآمد اسـت. برای اینکه اثر موردنظر را از نظر درآمدی و توزیعی داشته باشد باید به نحو مناسبی طراحی شده باشد، از این رو است که در ادبیات موضـــوع مطالعات متعددی به ارزیابی توان بازتوزیعی (یا تصـــاعدی بودن) مالیات بر درآمد و نقش آن در درآمدهای مالیاتی دولت همت گمارده‌اند.

در این چارچوب، دسته‌ای از مطالعات درجه تصاعدی بودن مالیات بر درآمد اشخاص را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، کازمی و سربان (۲۰۱۴) چهار کشور رومانی، ایتالیا، فرانسه و انگلسـتان را از نظر تصـاعدی بودن مالیات بر درآمد اشـخاص مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسـیده‌اند که انگلسـتان برای خانوارهای دارای فرزند، بیشـترین درجه تصـاعدی بودن را دارد اما برای یک مؤدی واحد که فرزندی ندارد و دســـتمزدی در حد متوســـط دریافت می‌کند، بار مالیاتی به عنوان درصدی از هزینه نیروی کار در فرانسه، ایتالیا، رومانی و انگلستان به ترتیب برابر است با ۵۰/۲، ۴۷/۶، ۴۴/۴ و ۳۲/۳ درصد.

دسـته‌ای دیگر از مطالعات به عوامل مؤثر بر درجه تصـاعدی بودن مالیات پرداخته و این ســـؤال را مورد ارزیابی قرار داده‌اند که نقش واحد مشـــمول مالیات، معافیت‌های مالیاتی، تعدد نرخ‌ها و نظایر آن در درجه تصـــاعدی بودن مالیات‌ها چیســـت؟ فالر (۱۹۹۰) روش‌شناسی انجام این کار را توسعه داده و لامبرت (۲۰۰۱) آن را توسعه داده است. در این چارچوب، برای نمونه اربن (۲۰۰۶) تصـــاعدی بودن مالیات بر درآمد اشـــخاص را در کرواســـی مطالعه کرده، به این نتیجه رســـیده که هزینه‌های قابل قبول بیشـــترین تأثیر را در تصاعدی شدن مالیات در کرواسی داشته است.

دسته سوم مطالعات به جای ارزیابی درجه تصاعدی بودن، مستقیماً به بررسی اثر مالیات بر درآمد اشـــخاص بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. در این چارچوب، برای نمونه می‌توان به مطالعه گســـتالدی و لیبراتی (۲۰۰۵) اشـــاره کرد که نشـــان داده‌اند در ایتالیا در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵، مالیات بر درآمد اشخاص اثر چندانی بر بازتوزیع درآمدها نداشته است.

همچنین، مطالعات دیگری وجود دارد که به این پرسش پرداخته‌اند که در صورت تغییر درآمدها در کشور، درآمد مالیاتی دولت با فرض وجود نظام مالیات بر درآمد اشخاص چگونه تغییر می‌کند؟ در این دسته عمده محققان با تأسی از تانزی (۱۹۶۹) به برآورد کشش مالیات بر درآمد اشخاص پرداخته‌اند. برای نمونه، کاستپلی و ساپچی (۲۰۰۶) کشش ۰/۹۵ را در ترکیه برای دوره ۱۹۷۵–۲۰۰۵، به دست آورده‌اند. اهمیت این دسته از مطالعات مربوط به تنظیم برنامه مالی دولت از یک سو و اثر تثبیتی مالیات در اقتصاد از سوی دیگر می‌شود.

این مقاله در چارچوب مطالعات گذشته و با هدف بررسی اثر وضع «مالیات بر جمع درآمد اشخاص» بر درآمدهای مالیاتی دولت و توزیع درآمد تنظیم شده است. در این راستا، یک جامعه فرضی با ۱۲ پایه درآمدی مختلف شبیه سازی شده است که ۱۰۰۰ نفر عضو دارد. سپس به این سؤال پاسخ داده شده است که اگر ساختار کنونی قانون مالیات‌های مستقیم که یک نظام تفصیلی است و هر درآمد را در منبع کسب آن مشمول مالیات می‌کند بر جامعه فوق اعمال شود، اولا درآمد مالیاتی دولت چقدر خواهد بود؟ ثانیا متوسط نرخ مالیاتی اعمال شده بالغ بر چه رقمی خواهد شد؟ ثالثا درآمد دهک پر درآمد چند برابر درآمد دهک کم‌درآمد خواهد شد؟ و رابعا ضریب جینی چه مقداری را به خود خواهد گرفت.

پس از بررسی این نظام درآمدی که در این مقاله نظام یا سناریوی پایه نام گرفته است، ۴ سناریوی مختلف طراحی شده است که از نظام تکمیلی مالیات بر درآمد تا نظام جامع مالیات بر درآمد امتداد دارد. آنگاه در هر سناریو به چهار پرسش فوق پاسخ داده شده و نتایج آن با سناریوی پایه مقایسه شده است.

در این راستا، پس از مقدمه به اختصار درباره مبانی نظری مالیات بر جمع درآمد بحث می‌شود. در قسمت سوم روش‌شناسی تولید داده‌ها، طراحی سناریوها و مدل محاسبه تشریح می شود. در قسمت چهارم نتایج مقاله ارائه می شود و در قسمت پنجم مطالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود.

۲- مبانی نظری

در طراحی نظام مالیات بر درآمد اشخاص چند محور، موضوع مباحث متعدد بوده است: اول اینکه پایه مالیاتی چیست و واحد مشمول مالیات کیست؟ و دوم اینکه نرخ‌های بهینه مالیات بر درآمد چگونه باید باشد؟ (ماسوئی و ناکازاتو[1]، ۱۹۹۹) در ادامه به اختصار موضوعات مطرح در هر محور مرور می‌شود.

۱-۲- چگونگی تعریف پایه مالیات بر درآمد

اینکه مبنا و پایه اخذ مالیات چه باشد، موضوع بحث‌های بسیار مفصلی بوده است. به طور کلی می‌توان درآمد را هنگامی مشمول مالیات کرد که به تصرف شخص درمی‌آید یا هنگامی آن را مشمول مالیات کرد که از تصرف فرد خارج می‌شود (مخارج).

تعریف درآمد قابل تصرف فرد نیز محل بحث است. سیمونز[2] (۱۹۳۸) درآمد شخصی را به شکل مجموع جبری موارد زیر تعریف می‌کند:

الف- ارزش بازاری حقوق اعمال شده در مصرف کردن

ب- تغییر ارزش موجودی حقوق مالکیت از ابتدا تا انتهای بازه زمانی مورد نظر.

مشخصه اصلی در قاعده او تعریف کردن درآمد به عنوان اضافه ارزش عاید شده برای هر فرد در یک بازه زمانی است. چنین تعریفی جامع است چون تمایزی از لحاظ منبع درآمد یا تکرار درآمد در آن وجود ندارد.

در تعریفی که مشهور به تعریف هیج[3]– سیمونز شده، درآمد مشمول مالیات عبارت است از مجموع تمامی انواع درآمد که برای مصرف قابل استفاده است. از این رو، حقوق و دستمزد، درآمد اجاره، سود سپرده، سود سهام، همه دریافت‌های انتقالی از دولت، درآمدهای شغلی، درآمد از خارج کشور، درآمد مربوط به اسکان رایگان یا با تخفیف،

---

1. Masui and Nakazato
2. Simons
3. Haig

ارزش خدماتی که در درون خانوار تولید می‌شود و ارزش عایدی سرمایه همگی در زمره درآمد مشمول مالیات محسوب می‌شوند. (قوش و قوش[1]، ۲۰۰۸، ص ۱۸۲)

در این مقاله، با پذیرش این رویکرد، ۱۲ منبع درآمدی تعریف شده و همه آنها درآمد مشمول مالیات تلقی شده است چرا که همه آنها قابل استفاده در مصارف مختلف هستند. از این رو، تمایز تئوریک بین آنها قائل نشده‌ایم. بعد در یک روند تدریجی از نظام فعلی که برخی از منابع درآمدی معاف از مالیات است و درآمدهای غیرمعاف هم با نرخ‌های متفاوت مشمول مالیات شده است، به نظامی حرکت شده است که در آن منبع درآمد حائز اهمیت نیست و می‌تواند منشأ مصرف فرد باشد.

در همین ارتباط برای سنجش درآمد در یک دوره ویژه لازم است معلوم کنیم که درآمد چه کسی باید مشمول مالیات شود. آیا مجموع درآمدهای هر شخص به طور جداگانه باید مشمول مالیات شود یا مجموع درآمد زن و شوهر باید با هم تجمیع و مشمول مالیات شود و یا اینکه کل خانوار باید به عنوان واحدِ مشمول مالیات شناسایی شود؟

در برخی از کشورها مانند استرالیا، کانادا، دانمارک، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و سوئد نظام واحد فردی برگزیده شده و در کشورهایی مثل بلژیک، آلمان و اسپانیا نظام واحد زناشویی انتخاب شده است. در فرانسه و لوکزامبورگ نظام واحد خانوادگی مبنای عمل است.

اهمیت انتخاب واحد در این نکته نهفته است که واحد انتخاب شده در تصمیمات مختلفی تأثیر می‌گذارد. مثلاً انتخاب واحد زناشویی می‌تواند تصمیم به ازدواج را متأثر کند و انتخاب واحد خانواده می‌تواند تصمیم به صاحب اولاد شدن را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین واحد انتخاب شده بر تصمیم اینکه یک نفر در خانواده کار کند یا دو نفر و انتخاب بین کار تمام وقت و پاره وقت مؤثر است.

شناسایی درآمدها و هزینه‌ها از معضلاتی است که در انتخاب واحد بهینه اثرگذار است. مثلاً تولیدات خانوارها بیشتر شامل خدمات و کالاهای غیر پولی است که قابل شناسایی نیستند از این رو مشمول مالیات نمودن آن دشوار است.

---

1. Ghosh and Ghosh

۲-۲- نرخ مالیات بر درآمد

دیگر موضوع مهم در تنظیم مالیات بر درآمد اشخاص، ساختار نرخ‌های مالیاتی است. نرخ‌های مالیاتی می‌توانند ساختار تصاعدی، تناسبی یا تنازلی داشته باشند. در ساختار تصاعدی با افزایش سطح درآمد، نسبت مالیات به درآمد (نرخ متوسط مالیات) افزایش پیدا می‌کند. در ساختار تناسبی با افزایش سطح درآمد، نرخ متوسط مالیات ثابت می‌ماند و در ساختار تنازلی با افزایش سطح درآمد، نرخ متوسط مالیات کاهش پیدا می‌کند.

ساختار تصاعدی بیشترین اثر را بر توزیع درآمد دارد و منجر به کاهش شکاف طبقاتی می‌شود، اما در مقابل، ساختار تنازلی به زیان طبقات کم درآمد و به سود طبقات پر درآمد است. در عین حال، با توجه به اینکه استراحت، قابل مالیات‌ستانی نیست، ساختار مالیات تصاعدی آثار سوئی بر کارایی دارد.[1] (کالیز و جونز، ۱۳۸۸) از این رو در چارچوب بحث مالیات‌بندی بهینه، که بده- بستان کارایی و برابری را در وضع مالیات در نظر می‌گیرد، انتخاب ساختار مالیاتی اهمیتی چشمگیر پیدا می‌کند.

نکته مهم دیگر این است که وقتی معافیت پایه وجود داشته باشد، حتی با نرخ‌های نهایی ثابت، ساختار مالیات تصاعدی می‌شود. لذا لزومی ندارد برای تصاعدی شدن مالیات‌ها، نرخ‌های نهایی مالیات افزایشی باشد. یعنی گاهی می‌توان تصاعد مورد نیاز را با افزایش معافیت پایه ایجاد کرد و گاهی می‌توان با افزایش نرخ‌های نهایی به این نتیجه دست یافت.

اگر معافیت پایه کوچک باشد یا ساختار طبقات درآمد مشمول مالیات در ابتدای طیف درآمدی با فاصله‌های کم تنظیم شده باشد و در انتهای طیف با فاصله‌های زیاد، آنگاه تصاعد

---

۱. وقتی مالیات بر درآمد نیروی کار وضع می‌شود، استراحت را به کار کردن ترجیح می‌دهند. این اثر جانشینی همان اثر اختلالی مالیات در انگیزه‌های کار کردن است. اگر امکانپذیر بود که از استراحت هم مالیات بگیریم این اثر جانشینی از بین می‌رفت، اما از آنجا که وضع مالیات بر استراحت بسیار دشوار است، مالیات تصاعدی اثر منفی بر کارایی بر جای می‌گذارد. یک راه برای کاهش این اثر جانشینی وضع مالیات بر مکمل‌های استراحت است.

لازم برای کسب درآمد مالیاتی از پر درآمدها و اصلاح توزیع درآمد ایجاد نمی‌شود. علاوه بر اصلاح توزیع درآمد، از ساختار مالیات تصاعدی به این دلایل نیز می‌توان دفاع کرد (گالوین و بیتکر، ۱۹۶۹):

الف- مالیات بر ارزش افزوده و سایر اقسام مالیات غیر مستقیم تنازلی است و مالیات بر درآمد تصاعدی می‌تواند باعث خنثی شدن آثار سوء توزیعی مالیات‌های مورد اشاره شود.

ب- وقتی درآمد شخص افزایش می‌یابد، امنیت اقتصادی او با سرعتی بیش از سرعت افزایش درآمدش زیاد می‌شود.

ج- مزایای مخارج حکومتی به شکل تصاعدی با درآمد و ثروت زیاد می‌شود.

د- مالیات تصاعدی پیامد گریزناپذیر وجود معافیت پایه یا هزینه‌های قابل قبول مالیاتی است.

اینکه بهتر است از طریق نرخ نهایی ثابت و در نظر گرفتن معافیت پایه ساختار تصاعدی ایجاد شود یا از طریق نرخ‌های نهایی افزایشی، به عنوان یک سؤال باقی مانده است. اوکلی[1] (۱۹۸۵) نشان می‌دهد که مالیات بر درآمد با نرخ یکسان و وضع معافیت به اندازه حداقل دستمزد موجب تصاعدی شدن مناسب‌تر سیستم مالیاتی می‌شود.

۳- روش‌شناسی: داده‌ها و مدل

به منظور پاسخ به سؤالات مقاله باید روشی برای موارد زیر اتخاذ شود:

- تعیین درآمد اعضای جامعه در پایه‌های مختلف درآمدی
- طراحی سناریوهای مختلف جهت وضع مالیات بر مجموع درآمد اشخاص
- طراحی شاخص‌هایی جهت ارزیابی آثار سناریوی مختلف بر درآمد مالیاتی دولت و توزیع درآمد در جامعه

در ادامه این قسمت، روش‌شناسی مورد استفاده در هر یک از موارد فوق تشریح می‌شود.

---

1. O'Kelley

۱-۳- تعیین درآمد اعضای جامعه

در این مقاله فرض شده است که ۱۲ پایه درآمدی در جامعه وجود دارد که عبارت است از حقوق و دستمزد، درآمد اجاره، درآمد مشاغل (تا چهار شغل)، سود سپرده، سود سهام، درآمد حاصل از ساخت و فروش، درآمد کشاورزی، درآمد صادرات و عایدی سرمایه. هر فرد می‌تواند صاحب یک یا چند منبع درآمدی باشد. در مدل تصادفی طراحی شده احتمال دارد بعضی از اعضای جامعه درآمدی نداشته باشند و بعضی از اعضای جامعه از چند پایه مختلف درآمدکسب کنند.

برای ایجاد مبنایی برای مقایسه، فرض شده است که افراد در صورت کسب درآمد براساس مواد مختلف قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن، به ترتیب زیر مشمول مالیات شوند:

حقوق و دستمزد: هر یک از اعضای جامعه ممکن است حقوق بگیر باشند. در صورتی که اعضای جامعه درآمدی از این محل کسب کنند مطابق ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم و قانون بودجه سال ۱۳۹۴، تا سطحی از درآمد (حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان در ماه و ۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در سال) از مالیات معاف می شوند و نسبت به مازاد آن بر اساس ماده ۸۵ ق.م.م. با نرخ ۱۰ در صد مشمول مالیات می شوند. در این مدل، برای رعایت سادگ،ی تفاوت مالیاتی موجود بین حقوق‌بگیران بخش دولتی و خصوصی لحاظ نشده است.[1] همچنین فرض شده است که فرد حقوق بگیر می‌تواند بسته به مهارت‌ها و رده شغلی خود درآمدی بین ۷ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان[2] تا ۱۲۰ میلیون تومان در سال داشته باشد. انتخاب مبلغ حقوق هر فرد به صورت تصادفی انجام می‌شود.

---

۱. بر اساس اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ اولا، بنا شده است حقوق کارکنان در بخش خصوصی و دولتی به یک نحو مشمول مالیات شود که متفاوت از قبل است و ثانیا، اگر کسی بیش از ۷ برابر معافیت پایه از محل حقوق درآمد داشته باشد نسبت به مازاد بر ۷ برابر معافیت، با نرخ ۲۰ درصد مشمول مالیات می‌شود. در مقاله حاضر این موضوع نادیده گرفته شده است.

۲. حداقل دستمزد در سال ۱۳۹۴، ۶۲۰ هزار تومان است که در سال بالغ بر ۷ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان می‌شود.

درآمد اجاره: مطابق تبصره ۱۱ ماده ۵۳ ق.م.م درآمد هر شخص از محل اجاره واحد یا واحدهای مسکونی در تهران تا ۱۵۰ متر زیربنای مفید و در سایر نقاط تا مجموع ۲۰۰ متر مربع زیربنای مفید از مالیات بر درآمد ناشی از اجاره املاک معاف است. درآمد مازاد بر معافیت فوق، پس از کسر ۲۵ در صد بابت هزینه‌ها، استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره، مشمول مالیات به نرخ های مندرج در ماده ۱۳۱ ق.م.م. می‌شود.[1] در این خصوص فرض شده است که افراد یا درآمد اجاره مشمول مالیات نداشته باشند، یا درآمدی بین۳۶ تا ۲۴۰ میلیون تومان در سال داشته باشند. داشتن یا نداشتن این درآمد و مبلغ آن به صورت تصادفی توسط نرم‌افزار تعیین می‌شود. واضح است که فروض فوق منعطف و قابل تعدیل است.

درآمد مشاغل: اگر فردی اشتغال به یکی از مشاغل غیردولتی و غیر شرکتی داشته باشد (اشخاص غیر حقوقی)، پس از کسر یک بار معافیت به ازای هر واحد شغلی (۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در هر سال به استناد قانون بودجه سال ۱۳۹۴)، مابقی درآمدش به نرخ‌های مندرج در ماده ۱۳۱ ق.م.م. مشمول مالیات می شود. در این مقاله فرض شده است که فرد

---

۱. از آنجا که در این مقاله به کرات به ماده ۱۳۱ ق.م.م ارجاع داده شده است، اطلاع از متن این ماده ضرورت دارد: ماده ۱۳۱- نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد به شرح زیر است:

- تا میزان سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪)
- تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰٪)
- تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪)
- تا میزان یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰٪)
- نسبت به مازاد یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪)

در اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، تعداد طبقات به سه طبقه کاهش یافته است (تا ۵۰۰ میلیون ریال در سال، نسبت به مازاد ۵۰۰ میلیون ریال تا یک میلیارد ریال در سال و نسبت به مازاد یک میلیارد ریال در سال) و با نرخ‌های ۱۵، ۲۰ و ۲۵ درصد مشمول مالیات شده است.

می‌تواند به طور همزمان از بیش از یک واحد شغلی (تا چهار واحد شغلی) کسب درآمد کند. امکان در نظر گرفتن بیش از چهار واحد شغلی به طور همزمان وجود دارد، اما چون با همین چهار واحد شغلی هم می‌توان مفاهیم مورد نظر را انتقال داد، ضرورتی برای آن وجود ندارد. پدیده مهم مالیات توافقی که در حال حاضر به طور گسترده‌ای حاکم است برای سادگی نادیده گرفته شده است. فرض شده است که صاحبان مشاغل به ازای هر واحد شغلی در یک سال حداقل ۱۲ میلیون تومان و حداکثر، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان درآمد مشمول مالیات داشته باشند. مطابق ماده ۹۴ ق.م.م. این درآمد عبارت است از کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهایی که در فصول دیگر قانون مشمول مالیات نشده است منهای هزینه‌ها و استهلاکات. مطابق برنامه‌نویسی انجام شده، درآمدها به طور تصادفی به افراد نسبت داده می‌شود.

سود سپرده: فرض شده است که اعضای جامعه بتوانند از محل سود سپرده کسب عایدی کنند و این عایدی به طور تصادفی در بازه ۱۲۰ هزار تومان تا ۱۲۰ میلیون تومان در سال باشد. بر اساس بند ۲ ماده ۱۴۵ ق.م.م. سود یا جوایز متعلق به حساب‌های پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانک‌های ایرانی یا مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز از مالیات معاف است.

سود سهام یا سهم‌الشرکه: هر یک از اعضای جامعه می‌توانند سهامدار یک شرکت باشند یا از محل تملک اوراق مشارکت کسب عایدی کنند. فرض شده است که دارندگان این نوع دارایی در ماه بتوانند سودی بین ۱۲۰ هزار تومان تا ۱۲۰ میلیون تومان در سال کسب کنند که این به نوع سهام و اندازه سهام ایشان وابسته است. این عایدی به طور تصادفی به افراد نسبت داده می شود. بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۴۳ مکرر تمامی درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار موضوع بند ۲۴ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ از پرداخت مالیات بر درآمد معاف هستند. بنابراین بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم این پایه درآمدی کلا از مالیات معاف است. با این حال، از آنجا که سود شرکت پیش از توزیع سود بر اساس ماده ۱۰۵ ق.م.م با نرخ ۲۵ درصد مشمول

مالیات می‌شود در این تحقیق فرض شده است که سود سهام با نرخ یاد شده مشمول مالیات است. این فرض مبتنی بر نگاهی است که سود شرکت و سود سهامدار را به طور یکپارچه مورد توجه قرار می‌دهد. (قوش و قوش، ۲۰۰۸)

درآمد حاصل از صادرات: فرض شده است که اعضای جامعه بتوانند درآمدی را از محل صادرات کسب کنند و دارندگان این منبع درآمدی بسته به نوع و میزان صادرات از این محل عایدی بین ۱۰۰ میلیون تومان تا ۵ میلیارد تومان در سال داشته باشند. این پایه درآمدی بر اساس ماده ۱۴۱ ق.م.م از مالیات معاف است.

درآمد کشاورزی: اعضای جامعه فرضی می‌توانند از طریق کشاورزی سالانه درآمدی بین یک تا ۵۰ میلیون تومان داشته باشند. این درآمد که به طور تصادفی به افراد نسبت داده می‌شود در ایران بر اساس ماده ۸۱ ق.م.م مشمول مالیات نیست.

عایدی سرمایه: فرض شده است که اعضای جامعه بتوانند از محل افزایش ارزش دارایی‌هایشان مازاد بر نرخ تورم کسب عایدی کنندو این عایدی بسته به نوع و میزان دارایی بین یک تا ۲۰۰ میلیون تومان در سال متغیر باشد. در ایران این پایه درآمدی شناسایی نشده و مشمول مالیات نیست.[۱]

درآمد حا صل از ساخت و فروش: بنا بر فرض، اعضای جامعه می‌توانند اشتغال به ساخت و فروش داشته باشند و از این محل درآمدی بین ۲۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان در سال کسب کنند. این درآمد در قانون مالیات‌های مستقیم ایران شناسایی نشده و مشمول مالیات نیست.[۲]

---

۱. سود سهام نیز نوعی عایدی سرمایه است. بنابراین عبارت فوق مبنی بر عدم شناسایی این پایه درآمدی در قانون مالیات‌های مستقیم ایران با کمی تسامح قابل پذیرش است.

۲. بر اساس ماده ۵۹ ق.م.م نقل و انتقال املاک به مأخذ ارزش معاملاتی با نرخ ۵ درصد مشمول مالیات است و بر اساس ماده ۷۷ ق.م.م در صورتی که واحد مورد نظر نوساز باشد، ۱۰ درصد دیگر به همان مأخذ مشمول مالیات می‌شود، اما عایدی حاصل از ساخت و فروش مشمول مالیات نیست.

۲-۳- سناریوهای مالیات بر مجموع درآمد اشخاص

برای مدلسازی آثار مالیات بر مجموع درآمد اشخاص ۵ سناریوی مختلف به شرح ذیل طراحی شده و در هر مورد آثار مورد نظر با وضع موجود (سناریوی پایه) مقایسه شده است.

سناریوی اول: همه درآمدهای فرد به طور جداگانه مشمول مالیات می شود. اگر فردی از دو، سه یا چهار واحد شغلی درآمد داشته باشد، درآمد حاصل از همه واحدهای شغلی‌اش تجمیع می‌شود و پس از کسر معافیت پایه (۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان)، نسبت به مازاد بر اساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م. مشمول مالیات می‌شود.

سناریوی دوم: درآمد حاصل از منابع درآمدی غیر معاف (شامل حقوق و دستمزد، اجاره، مشاغل و سود سهام) با هم جمع می‌شود و تا ۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در سال معافیت داده می‌شود و مازاد آن بر اساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م. مشمول مالیات می‌شود.

سناریوی سوم: درآمد حاصل از تمامی منابع درآمدی، اعم از معاف و غیرمعاف با هم جمع می‌شود تا ۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در سال معافیت داده می‌شود و مازاد آن بر اساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م. مشمول مالیات می‌شود.

سناریوی چهارم: اگر مجموع درآمد شخصی کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان در سال باشد، مشابه سناریوی پایه در منابع مختلف مشمول مالیات می‌شود و اگر مجموع درآمدهایش بیش از این آستانه باشد، بر اساس سناریوی سوم عمل می شود. این سناریو بر اساس مفاد ماده ۲۴ لایحه مبنی بر الحاق ماده ۱۲۴ مکرر به قانون مالیات‌های مستقیم، منتها بدون لحاظ بحث هزینه‌های قابل قبول، طراحی شده است.

۳-۳- روش ارزیابی آثار سناریوهای مالیات بر مجموع درآمد اشخاص

اثر هر سناریو بر اساس چهار شاخص زیر ارزیابی می شود و تغییرات آن نسبت به وضعیت سناریوی پایه مقایسه می‌شود:

- درآمدهای مالیاتی دولت که برابر مجموع مالیات‌هایی است که همه افراد جامعه بابت همه منابع درآمدی خود (اعم از معاف و غیر معاف) می‌پردازند.
- نرخ متوسط مالیات‌ها که برابر است با نسبت درآمدهای مالیاتی دولت به مجموع درآمد اعضای جامعه پیش از وضع مالیات
- نابرابری که برابر است با نسبت درآمدهای ۱۰ درصد پردرآمد جامعه به درآمدهای ۱۰ درصد کم درآمد جامعه
- ضریب جینی که خود شاخص دیگری برای سنجش نابرابری در جامعه است و برابر است با:

که در آن n تعداد اعضای جامعه، y مجموع درآمد هر عضو جامعه و میانگین درآمد اعضای جامعه است.

٤- نتایج

سؤال اصلی مقاله این است که در صورت وضع مالیات بر مجموع درآمد اشخاص، درآمد مالیاتی دولت و توزیع درآمد چگونه تغییر می‌کند. پاسخ این سؤال بستگی به چارچوب تدوین مالیات بر مجموع درآمد دارد. از این رو سناریوهای مختلفی برای این منظور تدوین و در هر سناریو پاسخ سؤال استخراج شده است. نتایج همچنین در جدول (۱) و نمودارهای (۱) و (۲) ارائه شده است. اهم نتایج شبیه سازی به شرح ذیل است:

درآمد مالیاتی و نرخ متوسط مالیات: در جامعه فرضی ما، اگر افراد در پایه‌های مختلف درآمدی مطابق احکام قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن مالیات بدهند، درآمد مالیاتی دولت بالغ بر ۱۹۵ میلیارد ریال

این صورت درآمد مالیاتی دولت از ۱۹۵ به ۲۸۸/۷ میلیارد ریال افزایش می یابد و نرخ متوسط مالیات به ۱۴/۳۷ درصد می‌رسد که یک تغییر محسوس است. این نوع مالیات که در واقعیت امر نوعی مالیات بر درآمد تکمیلی است (و نه جامع) پتانسیل آن را دارد که برای دولت درآمد مالیاتی جدیدی ایجاد کند بدون آنکه متعرض پایه‌های درآمدی معاف شود. منشأ این درآمد، یکی حذف معافیت‌های چندباره افراد است و دیگری وجود نرخ های تصاعدی. در واقع، اگر درجه تصاعدی بودن نرخ ها کاهش یابد، ظرفیت درآمدزایی این نوع اصلاح مالیاتی کاهش می‌یابد.

در سناریوی سوم فرض شده است که همه معافیت‌ها نادیده گرفته شود و همه منابع درآمدی شخص، اعم از معاف و غیرمعاف، تجمیع شود و پس از یک بار معافیت، مشمول مالیات شود. این راهبرد درآمدهای مالیاتی دولت را از ۲۸۸/۷به ۶۱۳/۷ میلیارد ریال افزایش می‌دهد که بالغ بر ۳۰/۵۴ درصد کل درآمدهای اکتسابی اشخاص در نظام اقتصادی است. این تغییر یک تغییر قابل ملاحظه است و اثر معناداری در مالیه عمومی دارد. الزام اساسی اتخاذ این استراتژی آن است که اولا دامنه معافیت‌ها کاسته شود و ثانیا برای معافیت‌های باقیمانده اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شود.[1] وقتی که سطح معافیت‌ها خیلی وسیع است، امکان استفاده از اعتبار مالیاتی وجود ندارد و عملاً مالیات بر جمع درآمد بی‌معنا است. از این رو برای بهره‌مند شدن از این سیستم مالیاتی، حرکت به سمت حذف معافیت‌ها یک الزام است.

در سناریوی چهارم فرض شده است افرادی که در سال کمتر از ۱۰۰۰ میلیون ریال درآمد دارند در منبع کسب درآمد مشمول مالیات شوند و مابقی افراد مشمول مالیات بر جمع درآمد به شرح سناریو سوم شوند.

نتایج نشان می‌دهد که درآمد مالیاتی دولت و نرخ متوسط مالیات نسبت به سناریوی سوم کاسته می‌شود و به ترتیب به ۳۹۳/۴ میلیارد ریال و ۱۹/۵۴ درصد می‌رسد، اما نسبت به

---

۱. منظور این است که نمی‌توان همزمان با وجود معافیت مجموع درآمد افراد را مشمول مالیات کرد؛ یا باید معافیت حذف شود یا باید در محاسبه مالیات بر مجموع درآمد، معادل معافیت‌های موجود از مالیات متعلق افراد کسر شود.

سناریوهای اول و دوم یک بهبود معنادار محسوب می‌شود و می‌تواند با تمرکز بر اقشار ثروتمند جامعه حمایت اقشار با درآمد متوسط و پائیین را دربر داشته باشد.

از نظر مقایسه‌ای می‌توان سناریوهای اول و دوم را با سناریوی پایه در یک گروه قرار داد. همانطور که در نمودارهای (۲) و (۳) مشاهده می شود، اعمال این سناریوها بین درآمد خالص و ناخالص شکاف کم و نوسانی ایجاد می‌کند و نرخ متوسط مالیاتی حالتی نوسانی دارد که حاکی از بی‌عدالتی مالیاتی است.

سناریوهای سوم و چهارم را می‌توان در یک الگوی جداگانه جای دارد. در این الگو شرط اساسی حذف معافیت‌های تکراری در پایه‌های مختلف درآمدی و مشمول کردن درآمد همه افراد در ساختاری مشابه است. با اعمال این سیستم، بی‌عدالتی اشاره شده حذف می شود، یعنی با افزایش سطح درآمد متوسط پرداخت مالیاتی افراد افزایش می‌یابد و افراد در سطوح درآمد برابر، مالیات یکسان می‌پردازند.

نمودار (۳) یک نکته مهم دیگر را نمایان می‌سازد و آن این است که طبقات درآمدی ملحوظ در ماده ۱۳۱ ق.م.م. نامتعادل است به نحوی که با افزایش اندکی در درآمد افراد متوسط پرداخت مالیاتی به شدت افزایش می‌یابد، اما بعد از گذ شتن درآمد از یک سطح آستانه پایین، نرخ متوسط مالیاتی تغییر چندانی نمی‌کند، به خصوص در سناریو سوم که نه سطح آستانه وجود دارد و نه هزینه قابل قبول مالیاتی، این نکته بسیار مشهود است که افراد با درآمدهای کم باید با نرخ متوسط بسیار بالایی مالیات بدهند و با تغییر بسیار زیاد در درآمد اکتسابی، تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در نرخ مالیات متوسط رخ نمی‌دهد.

اگر مانند نمودار (۳) افراد را بر حسب درآمدشان مرتب کنیم، متوجه می‌شویم که فردی که جزء ۳ درصد کم‌درآمد جامعه محسوب می‌شود با نرخ بیش از ۲۵ درصد مالیات می‌دهد و فردی که در آستانه دهک اول درآمدی قرار دارد (البته با فرض اعمال سناریو سوم) با نرخ ۳۲ درصد مالیات می‌دهد و پردرآمدترین افراد با نرخ ۳۴ درصد مالیات پرداخت می‌کنند. بنابراین ماده ۱۳۱ از حیث طبقات درآمدی (و نه لزوما نرخ‌های مالیاتی) نیاز به بازنگری اساسی دارد.

نمودار (۲)- شکاف درآمد خالص و ناخالص افراد در سناریوهای مختلف مالیات بر مجموع درآمد اشخاص

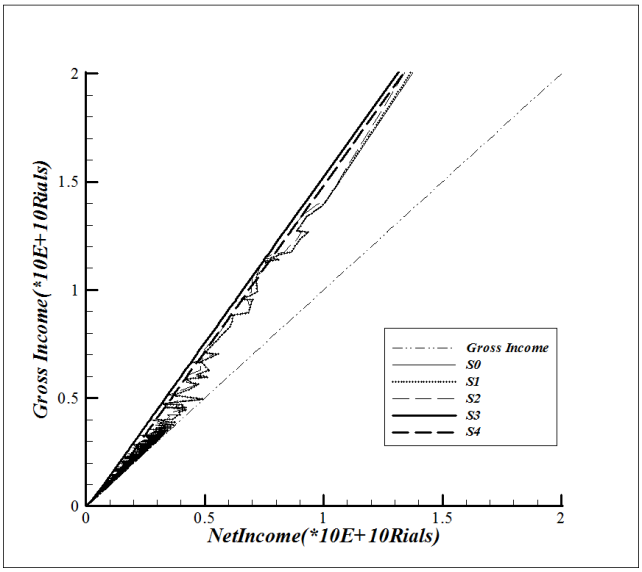

نمودار (۳)- نرخ متوسط مالیات در سطوح مختلف درآمدی در سناریوهای مختلف مالیات بر مجموع درآمد اشخاص

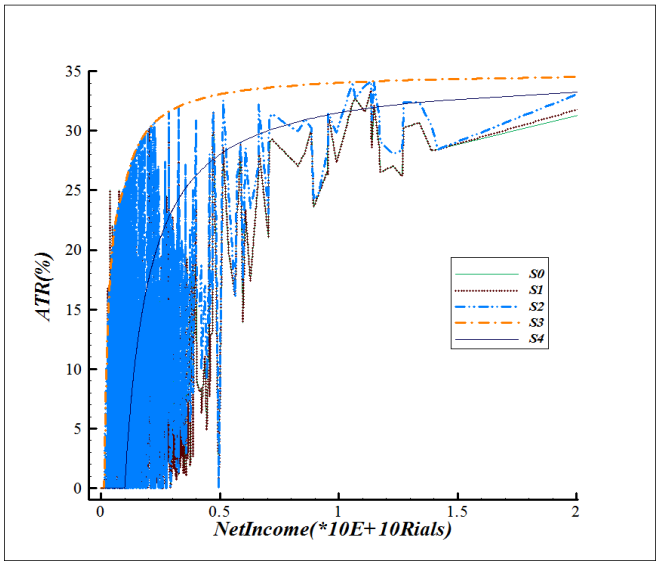

توزیع درآمد: در جامعه فرضی این مقاله، نسبت درآمدهای دهک با درآمد بالا به دهک با درآمد پایین ۳۰/۶۱ است و ضریب جینی ۰/۴۳ است. با اخذ مالیات بر اساس سناریوی پایه و سناریوهای اول و دوم ضریب جینی به حدود ۰/۳۶ و نسبت درآمدهای بالا به درآمدهای پایین به حدود ۲۶ کاهش می‌یابد. وقتی که تمام منابع غیر معاف تجمیع می‌شود و با نرخ‌های بالاتری مشمول مالیات می‌شود، دارندگان درآمد معاف از امتیاز مضاعفی برخوردار می‌شوند. بنابراین حرکت به سمت سناریوی دوم اگر چه از نظر درآمدی قابل توصیه است، اما از نظر عدالت مالیاتی چندان موجه به نظر نمی‌رسد.

با اعمال سناریوی سوم نسبت درآمدی به ۲۴ و ضریب جینی به ۰/۲۸۳ کاهش می‌یابد و همانطور که گفته شد درآمدهای بیشتری هم برای دولت ایجاد می‌کند. سناریوی چهارم نسبت به سناریوی سوم درآمد کمتری برای دولت ایجاد می‌کند و اثر آن بر نسبت درآمدهای دهک‌های بالا و پائین مثبت است، اما اثر آن بر ضریب جینی منفی است و با افزایش ضریب یاد شده همراه است. در عین حال سناریوی چهارم نیز از نظر توزیعی نسبت به سناریوهای اول و دوم ارجح است.

می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که مالیات بر جمع درآمد زمانی آثار درآمدی و توزیعی مناسبی دارد که اولا معافیت‌ها تا حد قابل قبولی کاهش یابد و این اصل پذیرفته شود که هر صاحب درآمدی فارغ از منبع کسب درآمدش مشابه دیگران مشمول مالیات شود و ثانیا در تناسب نرخ‌ها و طبقات درآمدی متناسب با سطح رشد اقتصادی بازنگری شود به نحوی که طیف وسیع‌تری از افراد کم‌درآمد با نرخ‌های پایین‌تر مشمول مالیات شوند و بالعکس.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

هدف از این مقاله ارزیابی آثار درآمدی و توزیعی سناریوهای مختلف مالیات بر جمع درآمد بود. نتایج شبیه سازی حاکی از آن است که:

الف- ساختار مالیات بر درآمد کنونی بسیار ناعادلانه است به نحوی که در آن نه عدالت افقی رعایت می‌شود و نه عدالت عمودی. عدالت افقی ندارد، چراکه افراد با درآمدهای مشابه مشمول پرداخت‌های مالیاتی متفاوت می‌شوند. عدالت عمودی ندارد، چراکه با افزایش درآمدهای افراد، برخورد مالیاتی تغییر سازگاری نمی‌کند و معلوم نیست تعهد مالیاتی ایشان کاهش پیدا می‌کند یا افزایش.

ب- هر چه پایه‌های درآمدی بیشتری مشمول مالیات بر جمع درآمد شوند، مالیات بیشتری نصیب دولت می‌شود و متوسط نرخ مالیات پرداختی افراد افزایش می‌یابد، اما اگر برخی از پایه‌های غیرمعاف تجمیع شوند و با نرخ‌های بالاتر مشمول مالیات شوند و پایه‌های معاف رها شوند، عدالت مالیاتی تأمین نمی‌شود، چراکه با افرادی که سطح درآمدی یکسان دارند برخورد مالیاتی متفاوتی می‌شود.

ج- وضع مالیات بر مجموع درآمد مستلزم وجود یک ساختار تصاعدی است، به این معنا که طبقات پایین درآمدی با نرخ‌های متوسط پایین‌تر و طبقات بالای درآمدی با نرخ‌های متوسط بالاتر مشمول مالیات شوند. در حال حاضر، ماده ۱۳۱ ق.م.م چنین شرطی را تأمین نمی‌کند. بنابراین بهتر است دامنه طبقات درآمدی را به قدری وسیع‌تر بگیریم که طیف وسیع‌تری از کم‌درآمدها مشمول نرخ‌های پایین‌تر شوند.

د- مالیات بر درآمد در واقع به نوعی مالیات بر سود است. همانطور که در مورد شرکت‌ها هزینه کسب درآمد از درآمد مشمول مالیات کسر می شود، در مالیات بر درآمد اشخاص نیز باید شرط مشابهی رعایت شود. منتها چون تشخیص هزینه‌های قابل قبول دشوار است، بهتر است سطح معافیت پایه به یک حداقل قابل قبول افزایش داده شود و مازاد بر آن با نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات شود.

منابع

الف- فارسی

پناهی، محمد قاسم (۱۳۹۴)، *قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات مصوب تا تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱*، تهران، انتشارات بلاغ دانش.

کالیز، جان و فیلیپ جونز (۱۳۸۸)، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی، تهران: انتشارات سمت، جلد دوم.

لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم»؛ تقدیمی به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۳.

ب- انگلیسی

Cozmei, C. and S. E. Claudia (2014), "A Cross-Country Comparison of the Personal Income Tax Systems Progressivity", *Theoretical and Applied Economics*, Vol. 21, No. 11, PP. 57-70

Galvin, C. and B. I. Bittker (1969), "The Income Tax: How Progressive Should It Be?", Rational Debate Seminars, Washington, American Enterprise Institute for Public Policy Research, PP. 1-183.

Gastaldi, F. and P. Liberati (2005), "The Personal Income Tax in Italy: Why Does It Change?", *Giornaledegli Economisti e Annali di Economia*, Vol. 64, PP. 159-188.

Ghosh, A. and C. Ghosh (2008), Eco*nomics of the Public Sector*, PHI Learning Pvt. Ltd., 347 p.

Haig, R. M. (1921), *The Federal Income Tax*, New York: Columbia. University Press.

Kustepeli, Y. and O. Sapci (2006), "Personal Income Tax Elasticity in Turkey: 1975-2005", DokuzEylul University, Discussion paper series, No. 06/01, PP. 1-12.

Lambert, P. J. (2001), *The Distribution and Redistribution of Income*, Manchester: Manchester University Press.

Masui, Y. and M. Nakazato (1999), "Personal Income Taxation", edited by Bouckaert, Boudewijn and De Geest, Gerrit, Vol. IV. The Economics of Public and Tax Law, Cheltenham, Edward Elgar, 2000, PP. 139-164.

O'Kelley, C. R. (1985), "Tax Policy for Post-Liberal Society: A Flat-Tax-Inspired Redefinition of the Purpose and Ideal Structure of a Progressive Income Tax", *Southern California Law Review*, Vol. 58, PP. 727-776.

Pfähler, W. (1990), "Redistributive Effect of Income Taxation: Decomposing Tax Base and Tax Rates Effects", *Bulletin of Economic Research*, Vol. 42, Issue. 2, PP. 121-29.

Simons, Henry C. (1938), *Personal Income Taxation: The Definition of Income as a Problem of Fiscal Policy*, Chicago, University of Chicago Press, 283 p.

Tanzi, V. (1969), "Measuring the Sensitivity of Teh Federal Income Tax From Cross-Section Data: A New Approach", *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 51, No. 2, p.206-209.

Urban, I. (2006), "Progressivity of Personal Income Tax in Croatia: Decomposition of Tax Base and Rate Effects", *Financial Theory and Practice*, Vol. 30, Issue. 3, PP. 207-231.